



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵
۱۷ ذی القعدة ۱۴۴۷
۵ می ۲۰۲۶
سال بیست و دوم
شماره ۵۳۷۷
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

شرق

روزنامه

بقائی: فقط درباره «توقف»
و خاتمه کامل جنگ»
گفت وگو می کنیم



در «شرق» امروز می خوانید: شروط بازرانی برای حمایت از دولت جدید عراق • معمای نظامیان گمشده در مراکش • دگرگونی ها و پیوستگی های مصر: از تمدنی کهن تا استعمار مدرن

جنگ در خاورمیانه، پوتین را در موقعیت آزمون تعهد واشینگتن به ناتو قرار داده است

پنجره فرصت مسکو در اروپا

گزارش تیریک رادر صفحه ۴ بخوانید

«شرق» از آخرین تحولات تنگه هرمز
پس از پروژه ادعایی ترامپ گزارش می دهد

پروژه آزادی یا تله جنگ



این گزارش رادر صفحه ۳ بخوانید. عکس: AP

گزارش های خبری خارجی حاکی از ارائه طرح جدیدی از سوی ایران به آمریکا از طریق پاکستان است. آن طور که از این گزارش ها برمی آید، گویا قرار است این طرح جدید مبنایی برای مذاکرات بین ایران و آمریکا درباره طیف گسترده مسائل موجود باشد. اگرچه مفاد این طرح رسماً اعلام نشده، اما برخی رسانه های خارجی مدعی اطلاع از مفاد این طرح هستند و آنچه را که رئیس مطالب آن می نامند، منتشر کرده اند. متأسفانه اغلب این گونه است که مردم در داخل برای کسب اطلاع از اوضاع باید چشم شان به رسانه های خارجی باشد. درک دلیل این رویه حداقل درباره چنین اموری دشوار است. روشن است که این قبیل طرح ها به آمریکا داده می شود و آمریکا نیز بلافاصله اسرائیل را در جریان می گذارد و طبق یک رویه معمول بخش های خاصی را مطابق برخی ملاحظات به رسانه ها درز می دهند. خودی ها در داخل نیز در جریان امور هستند، اما تقریباً هیچ وقت مردم در داخل، گزارشی از مقامات خود دریافت نمی کنند.

آن طور که از گزارش رسانه های خارجی برمی آید، ظاهراً طرح ارائه شده، حاوی دو مرحله است: پیشنهاد این است که دو طرف در مرحله اول درباره خواسته ایران در زمینه خاتمه کامل جنگ و تضمین آن صحبت کنند و این می تواند لاجرم شامل بازگشایی تنگه هرمز و لغو مسئله محاصره دریایی هم باشد. در مرحله دوم، گویا قرار است مذاکره درباره برنامه هسته ای ایران باشد و این مهم است؛ چراکه برخی شایعات در چند هفته گذشته از آمادگی نداشتن ایران برای مذاکره درباره غنی سازی حکایت می کرد. از آنجا که از نظر آمریکا خاتمه قطعی جنگ با مسئله غنی سازی در ایران مرتبط است، بعید است که ترامپ بدون رسیدن به راه حلی در زمینه غنی سازی و محموله اورانیوم ۶۰ درصدی، آماده ارائه تعهد و تضمینی برای پایان کامل جنگ باشد.

با این حال، همچنان امکان دستیابی به فرمولی برای انجام مذاکرات مطابق نظر ایران وجود خواهد داشت. طرفین می توانند نخست در مورد شرایط خاتمه جنگ مذاکره کنند، مشروط بر اینکه «هیچ چیز نهایی نیست، مگر آنکه همه چیز نهایی شده باشد». مطابق این فرمول تقدم و تأخر زمانی موضوعات مورد مذاکره مهم نیست، چراکه هر توافق در هر مرحله ای موقت و اولیه محسوب می شود و توافق نهایی موکول به توافق در مورد همه موارد دستور کار خواهد بود، بنابراین مطابق نظر ایران مذاکره در مورد خاتمه کامل جنگ می تواند مقدم بر مذاکره راجع به مسئله غنی سازی و محموله اورانیوم ۴۶۰ کیلوپی ۶۰ درصدی باشد. در نتیجه، اگر ایران پذیرفته باشد که درباره غنی سازی و اورانیوم غنی سازی شده در مرحله دوم مذاکره کند، قاعدتاً باید آمریکا نیز بپذیرد که این کار مطابق این رویه انجام شود.

صرف نظر از مسائل شکلی، به نظر می رسد که محتوای مذاکرات همچنان تحت تأثیر مواضع ترامپ در مورد غنی سازی در ایران و محموله اورانیوم ۴۶۰ درصدی است. تردیدی وجود ندارد که غنی سازی در ایران و محموله ۴۶۰ کیلوپی در مرکز توجه ترامپ قرار دارد. نشانه ای که حاکی از قصد ترامپ برای اصرار بر برنامه موشکی و مسائل منطقه ای باشد، در دست نیست. ترامپ از ۲۰۱۵ همواره بر مخالفت با برجام که از سوی او بامان نهایی شد، تأکید کرده و به نظر نمی رسد که به هیچ روی حاضر به پذیرش توافقی شود که مخالفان او در داخل بتوانند آن را مشابه برجام تبلیغ کنند. می دانیم ویژگی برجام ادامه غنی سازی حداقلی در ایران به همراه رفع تحریم های هسته ای بود، بنابراین اگر غنی سازی حداقلی در ایران ادامه یابد، این شکستی قطعی برای ترامپ خواهد بود. چنانچه در مورد غنی سازی و محموله اورانیوم غنی شده گشایش رخ دهد، امکان حرکت هم زمان به سوی لغو تحریم ها نیز وجود خواهد داشت و در این صورت، توافق می تواند نهایی شود. اما اگر غیر از این باشد، کار به جایی نخواهد رسید و محاصره دریایی احتمالاً ادامه خواهد یافت و آرایش جنگی نیز حفظ خواهد شد. تا زمانی که احتمال مذاکره وجود دارد و تا زمانی که آمریکا هنوز درباره طرح ایران نظر قطعی خود را اعلام نکرده، بعید است احتمال حمله نظامی دیگری وجود داشته باشد. البته اگر مذاکره انجام نشود یا انجام نشود و به نتیجه نرسد و مسئله اورانیوم حل نشود، احتمال ازرگیری جنگ وجود خواهد داشت.

یادداشت

جنگ و سرنوشت توازن قدرت



افشین حبیبزاده

جنگ ها معمولاً با آتش بس پایان می یابند، اما منطق سیاسی که در دل آنها شکل می گیرد، به این سادگی ها خاموش نمی شود. اگر جنگ را صرفاً یک رخداد نظامی بدانیم، بخش مهمی از واقعیت را نادیده گرفته ایم. جنگ در سطح عمیق تر، لحظه ای است که در آن نسبت میان دولت، قدرت و جامعه دستخوش بازاریابی می شود؛ بازاریابی ای که آثار آن می تواند بسیار فراتر از میدان نبرد ادامه یابد.

در آغاز چنین دوره هایی، نخستین تحول قابل مشاهده، تمرکز قدرت است. شرایط جنگی به گونه ای است که تصمیم گیری های پراکنده و چندمرکزی جای خود را به ساختارهای متمرکزتری می دهد. دولت برای مواجهه با تهدید، نیازمند سرعت، انسجام و هماهنگی بالاتر است و همین ضرورت، به طور طبیعی به تقویت نهادهای اجرائی و امنیتی منجر می شود. در این وضعیت، وزن سیاست از عرصه رقابت های معمول به سمت مدیریت بحران جابه جا می شود. اما آنچه اهمیت دارد، نه صرفاً وقوع این تمرکز، بلکه استمرار آن پس از پایان وضعیت اضطراری

است. در بسیاری از تجربه های تاریخی، سازوکارهایی که در دوره جنگ شکل گرفته اند، تمایل دارند در دوره پس از جنگ نیز باقی بمانند. نهادهایی که در زمان بحران قدرت گرفته اند، به سختی به موقعیت پیشین خود بازمی گردند. در نتیجه، تمرکز قدرت که در ابتدا یک پاسخ موقت به شرایط استثنائی بوده، به تدریج می تواند به یک ویژگی پایدار در ساختار سیاسی تبدیل شود. در این نقطه، سیاست وارد مرحله ای متفاوت می شود. سیاست دیگر صرفاً عرصه رقابت نیروهای متکثر برای کسب قدرت نیست، بلکه به تدریج به فضایی تبدیل می شود که در آن حدود و مرزهای کنش سیاسی بازتعریف می شود. در چنین شرایطی، همه بازیگران سیاسی در موقعیت برابر قرار ندارند؛ برخی به مرکز تصمیم گیری نزدیک تر می شوند و برخی دیگر، به حاشیه رانده می شوند یا دامنه اثرگذاری شان محدودتر می شود. این جابه جایی الزاماً از طریق تصمیم های رسمی و آشکار صورت نمی گیرد، بلکه اغلب به صورت تدریجی و در دل رویه های نهادی تثبیت می شود.

یادداشت

شیراز؛ دیپلماسی نارنج و غزل



مهدی پارسایی

پانزدهم اردیبهشت ماه، فراتر از یک نام در تقویم رسمی، میعادگاه بازخوانی هویتی است که مرزهای جغرافیایی را درنوردیده است. وقتی از «روز شیراز» سخن می گوئیم، در حقیقت از شهری حرف می زنیم که قرن هاست بار سنگین نمایندگی تمدن ایرانی را در آن سوسی مرزها به دوش می کشد؛ اما آنچه امسال باید به آن توجه ویژه داشت، جایگاه شیراز در شبکه جهانی «شهرهای خواهرخوانده» و نقش این پیوندها در «دیپلماسی فرهنگی» ایران است. شیراز تنها یک شهر در جغرافیای پارس نیست؛ شیراز یک «زبان مشترک جهانی» است. نگاهی به فهرست شهرهای خواهرخوانده این شهر، از «ولیمار» آلمان «بیج» مجارستان گرفته تا «دوشنبه» تاجیکستان، و «اگرا» در هند و «نانجینگ» چین، نشان می دهد که جهان، شیراز را با چه معیارهایی به رسمیت

پانزدهم اردیبهشت ماه، فراتر از یک نام در تقویم رسمی، میعادگاه بازخوانی هویتی است که مرزهای جغرافیایی را درنوردیده است. وقتی از «روز شیراز» سخن می گوئیم، در حقیقت از شهری حرف می زنیم که قرن هاست بار سنگین نمایندگی تمدن ایرانی را در آن سوسی مرزها به دوش می کشد؛ اما آنچه امسال باید به آن توجه ویژه داشت، جایگاه شیراز در شبکه جهانی «شهرهای خواهرخوانده» و نقش این پیوندها در «دیپلماسی فرهنگی» ایران است. شیراز تنها یک شهر در جغرافیای پارس نیست؛ شیراز یک «زبان مشترک جهانی» است. نگاهی به فهرست شهرهای خواهرخوانده این شهر، از «ولیمار» آلمان «بیج» مجارستان گرفته تا «دوشنبه» تاجیکستان، و «اگرا» در هند و «نانجینگ» چین، نشان می دهد که جهان، شیراز را با چه معیارهایی به رسمیت

برگزیده ها

در سایه قطعی ۶۷ روزه اینترنت، مصوبه اصول پروانه ارائه خدمات هوش مصنوعی ابلاغ شد:

توسعه AI در غیاب اینترنت پایدار؟

گزارش «شرق» از تازه ترین آمارها درباره تشدید تقاضای انجام کارهای خدماتی

افزایش سه برابری درخواست کار برای نظافت و پذیرایی

سیمای تروریسم و خشونت در قرن بیست و یک

بازگشت به بربریت

گزارش «شرق» درباره تاب آوری بزرگ ترین واردکننده نفت جهان در برابر جنگ نفت در خلیج فارس

چین مقاوم

گفت وگویی صریح با مردم، راه برون رفت از تنگنا

نگاه

صداقت، کلید تاب آوری

یادداشتی از قادر باستانی



برای خرید آنلاین
کیورکد را اسکن کنید



شماره تلفن سفارشات ۰۲۱۸۸۹۶۴۰۳۵ | ۰۹۱۲۰۴۳۹۲۴



ادامه در صفحه ۵

ادامه در صفحه ۵